



۳۰۹

سعید نفیسی

تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران

در روز و معاصر

جلد دوم

xalvat.com



سعید نفیسی : تاریخچه ای از روابط ایران و انگلیس



مجلد دوم

(از ۱۲۲۸ تا ۱۲۵۰ ق.م)

چاپ دوم

از :

انتشارات بنیاد

میدان بهارستان

فهرست مطالب

۶۷۹	عهد نامه ترکمان چای	۱	دوره میان دو جنگه من
۱۸۴	عهد نامه پازرگانی در میان ایران و روسیه	۱۰	عهد نامه ۱۲۲۴ با انگلستان
۱۸۷	صورت مجلس تشریفات سفیران	۱۴	عهد نامه ۱۲۲۷ با انگلستان
۱۸۹	تأیید عهد نامه ترکمان چای	۲۲	عهد نامه ۱۲۲۹ با انگلستان
۱۹۳	کشته شدن گریبایدوف	۲۷	ضمیمه عهد نامه ۱۲۲۹
۱۹۶	سفارت خسرو میرزا	۲۹	وضع نواحی از دست رفته
۱۹۹	جنگهای ایران و عثمانی	۳۶	وضع اجتماعی ایران درین دوره
۲۰۱	جنگه سال ۱۲۲۷	۳۸	نفوذ روحانیان درین دوره
۲۰۲	جنگهای ۱۲۳۶-۱۲۳۸	۶۹	احکام جهاد
۲۰۵	عهد نامه اردروم	۷۸	روابط روسیه با ایران درین دوره
۲۰۷	رفتار عباس میرزا در جنگهای با عثمانی	۸۱	ولایت عهد عباس میرزا
۲۱۰	ایران و افغانستان	۸۸	سیاست عباس میرزا
۲۱۲	سیاست انگلستان	۹۲	روابط سیاسی با روسیه
۲۱۳	نخستین روابط ایران با انگلستان	۱۰۸	روابط سیاسی نیکالای با دربار ایران
۲۱۶	مرحله دوم روابط با انگلستان	۱۱۹	روابط دربار روسیه با عباس میرزا
۲۱۸	مرحله سوم روابط با انگلستان	۱۲۳	مراحل و عواقب جنگه دوم
۲۱۹	اوضاع اقتصادی ایران	۱۳۵	مراحل جنگه دوم
۲۲۱	نخستین گامها بسوی تجدید	۱۴۱	آخرین مرحله جنگه
۲۴۳	اسناد ایرانی	۱۴۸	گفتگو درباره صلح
۲۶۰	سراجیام فتحعلی شاه	۱۵۲	دستورهای دولت روسیه
		۱۶۹	اجتماع در ترکمان چای



Xalvat.com

سیاست انگلستان

داستان غم‌انگیز در قابت روس و انگلیس در ایران، که تا انقلاب روسیه سدسال بارها آشفتنکی در اوضاع ایران فراهم آورده است هنگامی آغاز شد که ناپلئون بناپارت را اوضاع جهان از تصرف هندوستان ناتوان کرد و تسارهای روسیه روز بروز در آسیای مرکزی بسرحدات افغانستان که دروازه هندوستان بود و از زمان اسکندر مقدونی هر بیگانه‌ای که وارد هند شده بود از آن راه پیش رفته بود نزدیک‌تر می‌شدند و درین میان انگلیسها همواره کوشیده بودند ایران را بدست روسها ناتوان کنند تا رقیبی توانا در داخل افغانستان و هندوستان که از هر حیث زمینة فرهنگ و تمدن ایران بودند نداشته باشند چنانکه تا سال ۱۸۵۰ میلادی (۱۲۶۶ هـ) زبان رسمی حکومت انگلیس در هندوستان باز زبان فارسی بود و سرانجام توانستند آنرا براندازند و زبان انگلیسی را جانشین آن بکنند .

از روزی که انگلیسها توانستند در ۱۲۲۳ ماموران ناپلئون را از ایران برانند تا چندی چندان نگرانی از روسها در ایران نداشتند زیرا که روسها در آسیا نخست ضرب شست خود را بدولت ایران و دولت عثمانی نشان دادند و پس از آن در آسیای مرکزی پیش رفتند و سرانجام بمرزهای افغانستان رسیدند . هر قدمی که بدان سو بر میداشتند بر نگرانی انگلیسها می‌افزود و تا انقلاب روسیه این نگرانی باقی بود و پس از آن گونه دیگر گرفت و بصورت پیکار با کمونیسیم در مرزهای هندوستان درآمد .

هنگامی که انگلیسها نخستین گامها را در سیاست ایران برداشتند میرزا شفیع مازندرانی



صدراعظم ایران که در ۱۹ رمضان ۱۲۳۴ در گذشت و میرزا عبدالوهاب نشاط اصفهانی شاعر معروف که نخست منشی الممالک لقب داشت و سپس معتمدالدوله لقب گرفت و نخستین وزیر امور خارجه ایران شد و در روز دوشنبه ۵ ذیحجه ۱۲۴۴ از جهان رفت طرفدار سیاست فرانسه در ایران در برابر روسها بودند. پس از میرزا شفیع مازندرانی حاج محمد حسین خان امینالدوله معروف بصدراعظمی شاه شد که اعتمادالدوله لقب گرفت و تا پایان ۱۲۳۹ زنده بود. وی و خاندانش که کارهای مهم سپرده بایشان بود آشکارا مخالف سیاست فرانسه و هواخواه سیاست انگلستان بودند. پس از آن اللهیارخان آصفالدوله قاجار پسر میرزا محمدخان بیگلربیگی که برادر زن عباس میرزا و دایی محمد شاه بود بصدارت رسید و وی نیز دنباله سیاست حاج محمد حسین خان صدر را گرفت و چون در جنگ دوم در تبریز اسیر و زندانی روسها شد قهرآکنده ایشان را در دل داشت.

از اسناد انگلیسی صریحاً برمیآید که کارگزاران دولت انگلستان در ایران راه این گونه رشوه خوارها را باز کرده بودند و حتی برخی از عمال مؤثر دولت قاجارها ماهیانه منظم می‌داده و بوارثان برخی ازیشان هم پس از مرگ آن وظیفه خوار تا چندی این ماهیانه را پرداخته‌اند و در اسناد خود صریحاً باسم و رسم اشاره کرده‌اند و مبالغ آنها را نوشته‌اند. یکی از شگفت‌ترین وسایلی که برای فریفتن از راه پول بکار برده‌اند وعده‌ایست که در عهدنامه‌ها کرده‌اند که هر گاه جنگی در میان ایران و یکی از کشورهای فرنگ (یعنی روسیه) در بگیرد سالی دوست هزار تومان بایران بدهند و سخت آشکارست که با این دوست هزار تومان که مبالغ بسیار ناچیزی بوده و هرگز نپرداخته‌اند می‌خواستند ایران را بفریبند که با روسیه بجنگد و خود را ناتوان سازد و در افغانستان و مرزهای هندوستان مزاحم نباشد.

در دربار فتحعلی شاه چندتن دیگر در سیاست آن روز مؤثر بوده‌اند نخست میرزا عیسی قایم مقام معروف بمیرزا بزرگ پدر میرزا ابوالقاسم قایم مقام فراها نیست که وی نیز مانند پسر پیشکار عباس میرزا نایب السلطنه بوده و در ۲۵ ذیحجه ۱۲۳۷ در گذشته است. پس از حاج میرزا مسعود انصاری مستوفی مترجم زبان فرانسه بوده که بعد ها وزیر امور خارجه شده است. دیگر میرزا ابوالحسن خان شیرازی داماد و خواهر زاده حاج محمد ابراهیم خان اعتمادالدوله بوده که بارها بسفارت بلندن و سن پترزبورگ رفته و دومین وزیر امور خارجه فتحعلی شاه شده است. دیگر میرزا بابای حکیم باشی از کسانیست که عباس میرزا برای تحصیل طب بانگلستان فرستاده و ناچار انگلیسی می‌دانسته و رابط در میان کارگزاران انگلیس و در بار ایران شده است.

Xalvat.com

نخستین روابط ایران با انگلستان

انگلستان از زمان صفویه با ایران روابطی داشته و ناوگان انگلیس در تصرف جزیره هرمز و جنگک با پرتغالیان در زمان شاه عباس اول با ایران یاری کرده است. در آغاز کار انگلیسها بتوان نمایندگان شرکت هند وارد هندوستان شدند برای تأمین نیازهای کشور.

ازین بدان اشاره رفت روابطی که با ایران بهم زدند ظاهراً روابط بازرگانی بود که سپس بروابط سیاسی بدل شد .

نخستین سفیری که از جانب فرمانفرمای کل هندوستان بایران آمد مهدی علی خان بهادر جنگه بود که در ربیع الاول ۱۲۱۴ (اوت ۱۷۹۹) بایران آمد. و نامه ای را که از دربار انگلستان آورده بود با نامه و هدایای فرمانفرمای هند فتحعلی شاه داد و از و خواست مانع تاخت و تاز حکام محلی افغانستان بهندوستان بشود . وی پس از چند ماه بهند بازگشت و پس از و سرجان ملکم با پانصدتن همراهان هندی و انگلیسی از دربار انگلستان و حکومت هند مامور ایران شد . وی در آغاز ربیع الثانی ۱۲۱۵ (اواخر اوت ۱۸۰۰) وارد بندر بوشهر شد و دولت ایران فتحعلی خان نوری را گماشت که از و در فارس پذیرایی کند .

جان ملکم درین سفر راه تازهای در سیاست بازکرد و آن این بود که بی دریغ هدایا و پولهایی را که با خود آورده بود بکسانی که با او سروکار داشتند می داد و از راه فارس و امنهان بپهران رسید و حاج محمد ابراهیم خان اعتمادالدوله صدر اعظم که زودتر از دیگران بدان سیاست گروید وی را درخانه خود پذیرفت و در جمادی الاولی (سپتامبر ۱۸۰۰) فتحعلی شاه با و بار داد و الماسهای درشت گران بها و آیینه های قدی و پارچهای فاخر که ارمغان آورده بود با و داد . فتحعلی شاه هم یک خنجر جواهر نشان و یک شمشیر جواهر نشان با و داد .

درین سفر ملکم قراردایی با دربار ایران گذاشته است که ظاهراً بهمد نامه یا قرارداد امضا شده ای مبدل نشده و تقابلی آن این بوده است که فتحعلی شاه بیاری سپاه ایران زمانشاه را از حمله بهندوستان باز دارد و هر گاه وی بهند حمله کند دولت ایران از اتحاد با و در برابر انگلستان خود داری کند . گذشته از آن دولت ایران برخی امتیازهای بازرگانی بسودا گران انگلیسی و هندی داد از آن جمله می توانستند در بندرهای ایران تجارت بکنند بی آنکه مالیاتی بپردازند و برخی از کالاهای انگلستان مانند مواد فولادی و سربی و قماش را از گمرک معاف کردند . در برابر این تعهدات ایران جان ملکم از طرف دولت انگلیس بهمده گرفت که اگر دولت افغانستان یا دولت فرانسه بخاک ایران دستبرد برساند دولت انگلستان از یاری دریغ نکند .

در اسناد انگلیسی متذکر شده اند که درین ماموریت جان ملکم دولت انگلیس دو میلیون روپیه خرج کرده است و در برابر خطر حمله زمانشاه بخاک هندوستان دفع شد و حمله ایرانیان بهرات وی را از تاخت و تاز بهند مانع شد . جان ملکم سه ماه در پهران ماند و هنگام بازگشت فتحعلی شاه حاج خلیل خان قزوینی ملک التجار را که بسفارت فوق العاده مامور هندوستان کرده بود با وی بآنجا فرستاد . وی مامور بود که پس از برخورد با فرمانفرمای هندوستان بپندن برود .

در آن هنگام بمبئی مهم ترین مرکز حکومت انگلیس در هند بود و وی را بخوشروبی در آنجا پذیرفتند و نزدیک دوست تن از سربازان بومی را برای پاسبانی او گماشتند . وی مدتی در آن شهر ماند تا آنکه در سال ۱۲۱۹ روزی هنگام غروب همراهانش مشغول شکار



Xalvat.com

۲۱۵

شدند و با چند تیر پرندگان را شکار کردند . پاسبانان هند و که کشتن جانوران را مجاز نمی‌دانستند بخشم آمدند و گروهی از مردم هم که از ماموران انگلیسی کینه در دل داشتند بجایگاه سفیر ایران حمله کردند و در آن زد و خورد حاج خلیل خان کشته شد .

حکمران بمبئی آن مردم غوغایی و آن دوستان سر باز را که از وی دفاع نکرده بودند زندانی کرد ولرد و لزللی (۱) فرمانفرمای هندوستان معذرت‌نامه‌ای به فتحعلی شاه نوشت و با کنسول انگلیس در بصره و چند تن از اعیان بمبئی که همه سیاه پوش بودند فرستاد و ایشان درجهن سلطانیه نزد فتحعلی شاه رفتند . وی درین زمینه سخت گیری نکرد و خواستار شد کسانی را که زندانی کرده بودند آزاد کنند و محمد نبی‌خان خواهر زاده آن سفیر را بجای او بسا همان هیئت در همان سال ۱۲۱۹ بهند فرستاد . حکومت هندوستان هم قرار گذاشت هر ماه مبلغ دو هزار روپیه با اسمیل خان پسر حاج خلیل خان تازنده است بپردازد و پس از چندی ازین کار خود داری کردند .

محمدنبی‌خان نخست ماموریت داشت از هندوستان بلندن پرود ولی وی پس از پنج ماه درنگ در هندوستان بایران بازگشت زیرا که فتحعلی شاه با فرانسویان رابطه‌ای بهم زده بود و او را بایران خواست و حکمرانی بندرهای خلیج فارس را باو داد .

درین هنگام برای پاسبانی از هندوستان مخصوصاً در برابر حمله‌های فرانسویان دولت انگلیس در خلیج فارس وسایلی برمی‌انگیخت و از آن جمله بجزیره خارگ نظر داشت که فرانسویان نیز خواستار مالکیت آن شدند و انگلیسها می‌خواستند آنجا را مرکز ناوگان خود در دهانه شط‌العرب قرار بدهند . سره‌فرزدجوز (۲) کنسول انگلیس در بغداد که بعدها وزیر مختار انگلستان در طهران شد و نایب کنسول آن دولت در بصره مامور شده بودند مراقب اوضاع ایران و روابط ایران با فرانسه باشند و دنباله کارجان ملکم را در ایران بگیرند اما نزدیکی ایران با فرانسه باین کار مجال نمی‌داد و تا اواسط سال ۱۲۲۱ ایران با حکومت هندوستان و دولت انگلستان رابطه‌ای نداشت . در ضمن وضع ایران در افغانستان نیز مانع از نزدیکی بکارگزاران انگلیس در هند بود .

در ۱۲۲۱ انگلیسها کوشیدند دوباره روابطی با ایران بهم زنند و درین موقع پار دیگر جان ملکم را بایران فرستادند ، اما فتحعلی شاه اجازه ورود باو نداد و وی ازین توهینی که بنماینده کمپانی هند شرقی شده بود بسیار خشمگین شد و چون بهند برگشت اصرار داشت که انگلیسها جزیره خارگ را تصرف کنند. لرد مینتو (۳) فرمانفرمای هندوستان هم این پیشنهاد را پذیرفت اما چون مطمئن شدند که ناپلئون از لشکر کشی بهند از راه ایران منصرف شده است این کار را نکردند .

بسا این همه انگلیسها از زمان جان ملکم و سفر نخستین او بسایران دستپارانی در گوشه و کنار و بیشتر در دربار داشتند که می‌کوشیدند سیاست فرانسه را در ایران فسا بهره بگذارند. گرفتاریهای ناپلئون هم در میدانهای جنگ اروپا وی را ناگزیر کرد که ایران را بخود رها کند و چون روسها بایران تاختند و فرانسویان در برابر ایشان حمایتی از ایران نکردند قهراً نفوذ فرانسه در ایران از میان رفت و هنوز فرستادگان ناپلئون در ایران

Xalvat.com ۲۱۶

بودند که دو باره روابطی در میان ایران و انگلستان برقرار شد . پیداست که بی‌قیدی ناپلئون در باره ایران و حمله روسها بمرزهای قفقاز وسیله‌ای برای هوا خواهان سیاست انگلیس فراهم کرد که پیش ببرند و کار بجایی رسید که فرستادگان ناپلئون در ایران در امان نبودند و بی‌اسباب از خانه بیرون نمی‌رفتند . در ضمن نیروی دریایی انگلیس در خلیج فارس برای قدرت نمایی در برابر ایران گرد آمده بود و سره‌فرزدچونز سفیر تازه انگلستان با ارمغانهای فراوان در يك کشتی جنگی در برابر سواحل ایران در خلیج فارس منتظر بود که بتواند وارد ایران شود و بوسیله حکمران بوشهر و حکمران بندر ریگ پیشنهادهایی بدولت ایران می‌کرد . پیداست که درین هنگام دیگر مانعی در میان نبود . پیشرفت سیاست فرانسو در ایران تنها انگلیسها را از تساخت و تاز بمرزهای هندوستان هراسان نمی‌کرد بلکه نگرانی انگلستان بیشتر ازین بود که افسران فرانسوی در ایران بقریبت سر بازان ایرانی و رواج اصول نظام جدید و ساختن اسلحه و ریختن توپ با شوری هر چه بیشتر آغاز کرده بودند و ارتش ایران داشت بجایی می‌رسید . قهراً نیرومند شدن ایران بزیان انگلستان و منافع آن در افغانستان و هندوستان بود و بهمین جهت رفتن افسران فرانسوی از ایران سیاست انگلستان را کاملاً تأیید می‌کرد .

مرحله دوم روابط با انگلستان

همین که فرستادگان ناپلئون و افسران فرانسوی از تهران رفتند که از راه آذربایجان بفرانسه برگردند و روسها وارد جنگ شده بودند فتحعلی شاه بحکمران اصفهان دستور داد سفیر انگلستان و همراهانش را بطهران روانه کند و نوروزخان قاجار را مامور پذیرایی ازیشان کرد . هر فرد چونوزیر مختار و سفیر فوق‌العاده با برون (۱) کنسول انگلیس در بوشهر و موریس (۲) دبیر سفارت و ما طاووس ارمنی خزانه‌دار سفارت و شست تن سپاهی هندی و صد تن خدمتگزار ارمنی و هندی در آغاز ماه ذیحجه ۱۲۲۳ وارد اصفهان شد و روز ۲۶ ذیحجه بطهران رسید و حاج محمد حسین صدر اصفهانی که در آن زمان امین‌الدوله لقب داشت و مستوفی‌الممالک یعنی متصدی کارهای مالی کشور بود او را در خانه مسکونی خود در طهران پذیرفت .

این سفیر روز سوم محرم ۱۲۲۴ (۱۸ فوریه ۱۸۰۹) با شش تن از اعضای سفارت نزد شاه رفت و نامه‌های ژرژ سوم پادشاه انگلستان را با الماس درشتی که چهل هزار تومان ارزش داشت باو داد و مترجم او مقاصد دولت انگلیس را درباره بستن قرارداد دوستی و لغو تعهدات نسبت بفرانسه گفت و فتحعلی شاه همه آنها را پذیرفت . قراری که درین هنگام دولت ایران با دولت انگلستان گذاشته در عهدنامه ۱۲۲۴ منعکس شده که پیش ازین در صحایف ۱۰-۱۳ چاپ شده است .

اندک زمانی پس از ورود چونز بطهران و تهیه زمینة قرارداد ۱۲۲۴ جان ملکوم که پیش از



Xalvat.com ۲۱۷

همه کارگزاران انگلیسی در کارهای ایران ورزیده بود و در دربار فتحعلی شاه آن نفوذ را داشت بایران آمد و بار دیگر فرمانفرمای هندوستان وی را مامور ایران کرد. وی نزد فتحعلی شاه رفت و در امضای قرارداد سفارش کرد و پیشنهاد کرد که سفیری از ایران با انگلستان برود و پس از دو ماه بهند بازگشت و این پاره عهد و میثاق خود را با کسانی که در سفر اول جلب کرده بود استوارتر کرد. چون پس از امضای قرارداد با همراهان خود بتمبریز رفت تا دل عباس میرزا، نایب السلطنه را نیز کاملاً بدست بیاورد و تا ۱۲۲۶ (۱۸۱۲ م.) در ایران ماند.

هنگامی که فتحعلی شاه خواست سفیری بلندن بفرستد جز میرزا ابوالحسن شیرازی که بعدها بنام حاج میرزا ابوالحسن خان وزیر دول خارجه معروف شد و خواهرزاده و داماد حاج محمد ابراهیم اعتماد الدوله شیرازی صدراعظم سابق بود کسی در ایران نبود که او را مناسب برای این گونه ماموریت ها بدانند و چنان می نماید که وی از آغاز در کارهای سیاسی و روابط با انگلیسها وارد شده بود و چنان جلب اعتماد ایشان را کرده بود که بعدها مقرری سالیانه از خزانه انگلستان در باره اش برقرار کردند. فتحعلی شاه وی را بدین کار مامور کرد و ازان روز میرزا ابوالحسن ایلچی معروف شد و سرانجام سمت « وزیر دول خارجه » را باو دادند. چون می بایست وی از راه آسیای صغیر و ترکیه با انگلستان برود نامه ای بسلطان مصطفی خان چهارم آل عثمان نوشتند که بدست جانشین وی سلطان محمود خان دوم رسید و از وی یاری خواستند و از مغا نه های چند مانند رشته های مروارید و شالهای کشمیری و قالی های ابریشمی و حقه های پازهر برای پادشاه انگلستان فرستادند و وی در اوایل ربیع الثانی ۱۲۲۴ (اواسط مه ۱۸۰۹) با جیمز موریه (۱) دبیر اول سفارت و معاون جونز مولف معروف کتاب حاجی بابا اصفهانی و کتابهای دیگر از طهران رهسپار شد.

چون در عهد نامه ۱۲۲۴ انگلیسها در برابر ایران تعهداتی کرده بودند و شتاب داشتند هر چه زودتر آن عهد نامه را عملی کنند با رسوم جان ملکم را با هیئتی از افسران و آموزگاران نظامی انگلیسی و وسایل جنگی بایران فرستادند. ایشان در ربیع الثانی ۱۲۲۵ وارد بوشهر شدند و فتحعلی شاه مهرباب خان بکشلوی افشار را که از خدمتگزاران نزدیکش بود مامور پذیرایی ایشان کرد و در ۱۵ جمادی الاولی (۱۸ ژون ۱۸۱۰) در چمن سلطانه نزد فتحعلی شاه رفتند و ذخایر جنگی را باورساندند.

ملکم چهارم افسران انگلیسی را که برای خدمت و فرماندهی ارتش ایران با خود آورده بود بدین گونه بفتحعلی شاه معرفی کرد: (۱) لیندسه بتون (۲) افسر توپخانه که مرد تنومندی بود و چند سال در ایران ماند و حتی فرمانده کل سپاه ایران شد. (۳) کریستی (۳) افسر پیاده نظام، (۴) مونثیت (۴)، (۴) پوتینجر (۵)، ازین افسران بیش از همه کریستی در ایران ماند و در جنگ اول با روسیه با لشکریان عباس میرزا همراه بود و در آن جنگ کشته شد. پوتینجر بعدها از ایران بافغانستان رفته و کتاب « سفر افغانستان » را در آن هنگام نوشته است. هنوز ملکم در ایران بود که از لندن خبر رسید پادشاه انگلستان عهد نامه ۱۲۲۴

James Morier (۱)

Christie (۲) Lindsay Bethune (۳)

Pottinger (۵) Monteith (۴)



را امضا کرده و سفیر دیگری بایران خواهد فرستاد . بهمین جهت ملکم از ایران بهندوستان بازگشت .

Xalvat.com

مرحله سوم روابط با انگلستان

در سوم چند بار میرزا ابوالحسن را بحضور خود پذیرفت و در اوایل سال ۱۲۲۶ (اوایل ۱۸۱۱ م .) سرگوراولی (۱) را بجای هر فرد جونز سفارت بایران فرستاد و سفیر ایران نیز با او همراه شد که بایران برگردد. ایشان از راه دریاهای جنوب و خلیج فارس بایران آمدند و تا بوشهر کشتی ایشان سه بار گرفتار توفان شد . سر انجام در ماه شوال ۱۲۲۶ وارد طهران شدند و روز ۲۰ شوال (۷ نوامبر ۱۸۱۱) فتحعلی شاه سفیر جدید انگلستان را بحضور پذیرفت و سفیر الماس گران بهایی که ۲۵ قیراط وزن داشت هدیه پادشاه انگلستان را باو داد . همسر گوراولی نیز از دربار انگلستان مامور شده بود که نماینده ملکه انگلیس در برابر ملکه ایران باشد غافل از آنکه فتحعلی شاه ۱۵۸ زن داشت که با اسم و رسم در تاریخ معروفند. هنگامی که سفیر وارد تهران شد و ماموریت همسر خود را بدربار اطلاع داد دشواری شکر فی پیش آمد و آن این بود که نمی دانستند کدام یک ازین زنان را بعنوان ملکه ایران معرفی کنند و هر چه کوشیدند زنی را که مسن تر بود و زودتر ازدیگران بعقد شاه درآمده بود این عنوان بدهند زنان دیگر و فرزندان و مخصوصا پسرانشان رضایت نمی دادند و مدتی مدید گرفتار حل این دشواری بودند و همسر گوراولی هم چنان انتظار روز باریافتن بحضور ملکه ایران را داشت . سر انجام بزحمت بسیار زنان شاه را راضی کردند که آن روز یکی از همسران وی را که از فرزندان نداشت و کمتر با وحسد می بردند بعنوان ملکه ایران بهمسر سفیر معرفی کنند و وی با یکی از خواجه سرایان از آن ملکه مصنوعی آن روز باریافت و عنبرچه الماس نشان گران بهایی را که ارمغان ملکه انگلستان برای ملکه ایران بود باو داد . معروفست که زنان دیگر که در مجلس حاضر بودند همین که آن هدیه قیمتی را دیدند بر سر زن سفیر هجوم آوردند و آن ارمغان را ربودند و نگذاشتند بحریفشان تعلق بگیرد .

از جمله همراهان گوراولی و اعضای سفارت میجر داری تولد (۲) که مدتی در ایران ماند و دیگری یکی از خویشاوندان سفیر سر ویلیام اوزلی بود که تالیفاتی در باره ایران دارد . در اسناد ایرانی نوشته اند که اوزلی زبانهای فارسی و ترکی و هندی را می دانست و چنان می نماید درین زمینه عراق نگفته باشند زیرا که وی در کنا بهایی که نوشته آگاهی خود را از زبان فارسی و ترکی نشان داده است . نیز در اسناد ایرانی نوشته اند که مردی چرب زبان و خوش روی بوده و درباریان نفوذ یافته است .

گوراولی مبلغی را که انگلیسها برای مخارج آذربایجان وعده کرده بودند با سی هزار تنگک و بیست توپ که از انگلستان فرستاده بودند بدولت ایران داد و افسرانی که با او آمده بودند وارد خدمت ایران شدند . اوزلی عهدنامه ۱۲۲۷ را که متن آن در صحایف ۱۴-۱۸ چاپ شده با ایران امضا کرده است.



Xalvat.com ۲۱۹

دشواری بزرگی که درین هنگام در برابر ایران بود این بود که در ۱۸۰۷ م . (۱۲۲۲ ه .) هنگامی که انگلیسها آن نگرانیها را دربارهٔ سیاست خود در ایران داشتند با دولت روسیه يك عهدنامهٔ سری امضا کرده بودند و در آن هنگام که روسها مشغول جنگ با ایران بودند متعهد شده بودند که رعایت منافع روسیه را در ایران بکنند یعنی کاملاً روسها را آزاد بگذارند که ایران را از پا در آورند و حریف انگلستان را در افغانستان و هندوستان ناتوان کنند . بهمین جهت افسران انگلیسی در ارتش ایران با لباس ایرانی خدمت می کردند و پس از چندی سفیر انگلستان برای آنکه روسها را خشنود کند افسران انگلیسی را نگذاشت در خدمت ایران باشند و چنانکه گفته شد تنها کریستی ماند و در جنگ کشته شد . چنانکه بارها پیش ازین اشاره رفت فتحعلی شاه مرد لثیمی بود و در جنگها و لشکر کشیها می کوشید پسران خود را که هر يك حکمران ناحیه ای بودند و ادار کنند هزینه های سنگین جنگها را بپردازند و همین معامله را در جنگ روسیه با عباس میرزا کرده است . در ضمن امیدوار بود سالی دوست هزار تومانی را که انگلیسها در عهدنامه های خود برای مخارج لشکر کشی وعده کرده بودند وصول کند ولی همهٔ گفتگوهای پی در پی وی بیهوده بود و تنها کاری که انگلیسها کردند این بود که گوراولی مامور شد با روسها گفتگو کند و در حقیقت میانجی بشود تا عهدنامهٔ گلستان در ۱۲۲۸ با امضا برسد .

سال بعد گویا بیشتر بجا یزهٔ خدمت نمایانی (۴) که انگلیسها در صلح با روسیه و امضای عهدنامهٔ گلستان کرده بودند در صدد برآمدند منتهای بهره را ازین میانجی گری ببرند زیرا که روسها ایران را آن چنانکه انگلیسها می خواستند ناتوان کرده بودند و هنگام آن رسیده بود که ایرانیان در افغانستان و هندوستان منافع انگلستان را تامین کنند . بهمین جهت جیمز موریه را که کارشناس امور ایران می دانستند و بدخواهی وی دربارهٔ ایرانیان آشکار شده بود ترقی دادند و از سمت دبیری سفارت بعنوان سفارت بطهران فرستادند و نمایندهٔ مخصوصی بنام الیس (۱) از وزارت امور خارجهٔ انگلستان با وی همراه شد و ایشان عهدنامهٔ ۱۲۲۹ را که متن آن در صحایف ۲۲-۲۵ و ضمیمهٔ آن در صحایف ۲۷-۲۹ بنام احتجاج نامه چاپ شده و مسودهٔ آنرا در لندن تهیه کرده بودند با ایران امضا کردند .